

گونه‌شناسی روایات امام جواد (ع) در تفاسیر

محمد رضا ستوده‌نیا^۱

نرگس صافی اصفهانی^۲

طاهره سادات سیدناری^۳

چکیده

با توجه به این‌که یکی از شئون اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تفسیر، کشف و تبیین مراد خداوند در قرآن کریم است، جای این پژوهش وجود دارد که میراث ماندگار امام جواد (ع) در زمینه تفسیر، از چه ساختار، شکل و الگویی برخوردار است. به عبارت دیگر، روایت تفسیری امام جواد (ع) چه شناختی از آیه قرآن ارائه می‌دهد؟

با توجه به کثرت روایات منقول از امام جواد (ع)، در این نوشتار فقط روایات ایشان در تفاسیر را به لحاظ نوع معرفت، به صورت توصیفی تحلیل کردیم تا بفهمیم امام جواد (ع) در زمینه تفسیر بیش‌تر از چه گونه‌ای استفاده نموده‌اند؟ بر اساس این پژوهش، مهم‌ترین گونه‌های روایات امام جواد (ع) در تفاسیر عبارتند از: بیان معنای واژگانی، شرح، بیان مصداق، بطن و علوم قرآنی. خود این موارد هم دارای زیرشاخه‌هایی‌اند که بیان شده است. سپس با تحلیل داده‌ها، به این نتیجه رسیدیم که گونه‌های شرح و مصداق، به ترتیب دارای بیش‌ترین فراوانی در روایات امام جواد (ع) در تفاسیر است. واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، تفسیر، روایات، شناخت، گونه‌شناسی.

ص: ۲۱۵

مقدمه

^۱ . عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان. bayanelm@yahoo.com

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر اثری دانشکده اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دانشگاه اصفهان. rsafinarges@gmail.com

^۳ . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر اثری دانشکده اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دانشگاه اصفهان. seyed_nari@gmail.com

با تتبعی که در روایات امام جواد (ع) در تفاسیر به عمل آمد، به منابع و روایات فراوانی از آن امام همام دست یافتیم که با حذف مکررات، تقریباً ۵۲ حدیث در زمینه قرآن و تفسیر آیات از جانب ایشان وارد شده است. البته برخی از روایات بسیار طولانی است که در این موارد یک روایت به چند گزاره تقسیم شده و هر گزاره دارای یک گونه است؛ بنابراین هرچند تعداد روایات ۵۲ روایت است، چون هر روایت به چندین گزاره تقسیم می‌شود، هر گزاره یک روایت جداگانه شماره‌گذاری نشده است؛ ولی شناخت‌های تفسیری هر گزاره را بررسی کرده‌ایم. در این پژوهش، روایات با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند و با توجه به نوع معرفتی که هر روایت از آیه قرآن می‌دهد، گونه‌های متفاوتی بیان شده تا مشخص شود که امام در تبیین مراد خداوند، بیش‌تر از چه گونه‌ای استفاده فرموده‌اند. با گردآوری همه آن‌ها و آنالیز گزاره‌های تفسیری امام به این نتیجه رسیدیم، شناختی که ایشان از آیه می‌دهند، خارج از وجوه ذیل نیست. این گونه‌های شناختی عبارتند از:

۱. بیان معنای واژگانی؛

۲. شرح که خود دارای این زیرشاخه‌هاست: بیان علت، بیان حکم فقهی، بیان فضیلت، اغراء، تحذیر، بیان مثال، بیان اسماء الهی و شرح بالمعنی الاخص؛

۳. بیان مصداق یا جری (بیان برخی از مصادیق، مصداق اتم، مصداق انحصاری)؛

۴. علوم قرآنی؛

۵. بطن؛

در این نوشتار، هر یک از این گونه‌ها را تعریف نموده، سپس یک حدیث را به عنوان شاهد، ذیل هرگونه بیان می‌کنیم. از آن‌جا که در این پژوهش تمام احادیث امام در تفاسیر بررسی و تحلیل شده، تعداد احادیث و درصدی بیان

ص: ۲۱۶

می‌شود که آن‌گونه در تفسیر امام آن حضرت به خود اختصاص داده است. ۴

پیشینه تحقیق

۴. گفتنی است که در شناخت برخی از گونه‌ها، از مبانی تعاریف کلان پروژه گزینش، گونه‌شناسی و تحلیل روایات آیات قرآن دانشکده اهل‌بیت (علیهم السلام) دانشگاه اصفهان، زیر نظر دکتر رضا شکرانی استفاده شده است.

با توجه به اهمیت روایات تفسیری، تأثیر آن‌ها در معرفت‌بخشی آیات قرآن کریم و نیز حجم گسترده آن‌ها، ضرورت بحث، بررسی، تحلیل و دسته‌بندی این روایات مشخص می‌گردد. یکی از مباحث مهم در این زمینه، مسأله گونه‌شناسی روایات تفسیری است. در واقع مطالعه روایات ذیل آیات، نشان می‌دهد که این روایات شناخت‌های متفاوتی از آیه به دست می‌دهند و کارکردهای متفاوتی دارند که تحلیل آن‌ها به فهم بهتر آیات کمک می‌نماید. پژوهندگان معارف قرآنی تا پیش از دهه‌های اخیر، به این بحث به صورت جدی توجه نکرده‌اند. مفسران با این‌که به جمع‌آوری روایات تفسیری پرداخته‌اند، چندان اشاره‌ای به تنوع کارکردهای متفاوت روایات نکرده‌اند. گویا آنان به کشف این نکته و اهمیت آن نایل نشده بودند؛ اما تفاسیر روایی جدید در روش خود چنین رویکردی را در پیش گرفته‌اند. با توجه به اهمیت شناخت گونه‌های روایی معصومان (علیهم السلام)، اخیراً شماری از پژوهندگان معارف قرآنی نیز به بررسی، استقرا و نام‌گذاری این گونه‌ها اقدام نموده‌اند. در این زمینه، پژوهش‌هایی وجود دارد که به معرفی انواع گونه‌ها و نام‌گذاری آن‌ها می‌پردازد؛ مانند کتاب درآمدی بر تفسیر جامع روایی از آقای ری‌شهری و روش‌شناسی اهل‌بیت (علیهم السلام) از سیدحسین تقوی دهقانی که به بررسی گونه‌های مختلف و توضیح و تبیین آن‌ها با ذکر مثال‌هایی پرداخته‌اند. علاوه بر موارد یاد شده، در مقالات متعددی نیز به معرفی انواع گونه‌ها پرداخته شده است؛ مانند «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، «گونه‌شناسی گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم (ع)»، «گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری»، «گونه‌شناسی روایات

ص: ۲۱۷

تفسیری امام صادق (ع)» و پایان‌نامه «گونه‌شناسی روایات امام جواد (ع) و امام هادی (ع) در تفسیر قرآن با تأکید بر تفاسیر البرهان، نورالثقلین و کنزالدقائق» در دانشگاه الزهراء (علیها السلام). در نگارش این تحقیق، پس از استخراج روایات تفسیری امام جواد (ع) و امام هادی (ع)، با بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهش‌های مرتبط با این موضوع و انتخاب ملاکی درست در بحث گونه‌شناسی روایات ائمه (علیهم السلام)، روایات این دو امام بزرگوار در تفسیر قرآن گونه‌شناسی شده است؛ اما تحقیق حاضر، از چند جهت با سایر پژوهش‌ها، تفاوت و تمایز اساسی دارد که از آن جمله به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱. تاکنون مقاله‌ای درباره گونه‌شناسی روایات امام جواد (ع) در تفاسیر نگاشته نشده و پایان‌نامه اخیر هم روایات تفسیری ایشان را فقط با تکیه بر سه تفسیر البرهان، نورالثقلین و کنزالدقائق بررسی کرده است ولی در این مقاله، تمام روایات امام جواد (ع) در تفاسیر موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر بررسی و گونه‌شناسی شده‌اند.

۲. در این مقاله، به صورت مبنایی و دقیق، به تعریف گونه‌های موجود در کلام امام جواد (ع) پرداخته شده و نام گونه‌ها و زیرشاخه‌های آن با گونه‌های موجود در پایان‌نامه نامبرده اندکی متفاوت است.

۳. در برخی از پژوهش‌ها، تنها گونه‌شناسی روایات بدون در نظر گرفتن آیه سنجیده می‌شود، در حالی که ممکن است روایت به تنهایی دارای گونه‌ای باشد و همان روایت نسبت به آیه، گونه‌ای دیگر داشته باشد، لذا ابتدا برای مثال، هرگونه آیه ناظر به آن نیز آورده شده، زیرا مبنای ما به دست آوردن معرفتی است که روایت از آیه می‌دهد.

۴. در این پژوهش، روایات از لحاظ سندی نیز بررسی شده، زیرا در برخی از تفاسیر، روایاتی منقول از امام جواد (ع) آمده که با مراجعه به منبع اصلی آن حدیث و بررسی سندی، متوجه شدیم که روایت از آن بزرگوار نیست. ۵

ص: ۲۱۸

روایت تفسیری

روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه در آن آمده باشد و یا روایت، به آیه‌ای ناظر باشد که خود آیه، در حدیث مذکور نیست، اما حدیث، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است. ۶ به عبارت دیگر، هر قول، فعل و تقریر معصوم که به صراحت یا به اشارت، به نحوی مبین آیات قرآن باشد روایت تفسیری است.

گونه‌شناسی

گونه‌شناسی یعنی تبیین نوع شناختی که روایت درباره کلمه، ترکیب یا جمله‌ای از آیات قرآن یا سوره‌ها ارائه می‌دهد. انواع این معرفت‌ها، گونه‌شناختی نامیده می‌شود.

گونه‌های شناختی در کلام امام جواد (ع)

در بررسی روایات امام جواد (ع) در تفاسیر، گونه‌های ذیل مشاهده می‌شود:

۱. بیان معنای واژگانی

^۵. برای مثال، روایت زیر در تفسیر نورالتقلین به نقل از عیون اخبار الرضا از امام جواد (ع) آمده است که با مراجعه به کتاب اخیر و هم‌چنین بررسی سندی، به این نتیجه رسیدیم که روایت از امام هادی (ع) است: «فی عیون الاخبار فی الزیارة الجامعة للائمة (ع) المنقولة عن الجواد علیه السلام: السلام علی الدعاء الی الله الی قوله: و المظهرین لأمر الله و نهیه، و عبادة المکرمین الذین لا یسبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِ یَعْمَلُونَ». (نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۲۴). سایر عبارات زیارت جامعه کبیره نیز در برخی تفاسیر روایی به نقل از امام جواد (ع) آمده، ولی این زیارت منقول از امام هادی (ع) است.

^۶. مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، ص ۶.

در تعدادی از روایات تفسیری، معنای یک واژه با بیان واژه‌ای مترادف یا واژگانی آسان‌تر بیان شده که همان ترجمه و توضیح واژه است و در واقع این بیان معنای واژگانی تفسیر آیه نیست، بلکه مقدمه‌ای برای بهتر فهمیدن مراد خداوند از آیات قرآن است. به عبارت دیگر، این‌گونه دربردارنده روایاتی است که در آن‌ها معنای لغوی کلمات، اصطلاحات و معنای درون‌دینی واژه آمده است. برای مثال:

ص: ۲۱۹

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ...^۷)

این روایت ذیل آیه فوق آمده:

وَرَوَى عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا (ع) أَنَّهُ قَالَ ... فَقُلْتُ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ

وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ

قَالَ الْمُنْخَنِقَةُ الَّتِي انْخَنَقَتْ بِأَخْنَقِهَا حَتَّى تَمُوتَ وَالْمَوْقُوذَةُ الَّتِي مَرِضَتْ وَقَذَفَهَا الْمَرَضُ حَتَّى لَمْ يَكُنْ بِهَا حَرَكَةٌ وَالْمُتَرَدِّيَةُ الَّتِي تَتَرَدَّى مِنْ مَكَانٍ مُرْتَفِعٍ إِلَى أَسْفَلٍ أَوْ تَتَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ أَوْ فِي بئرٍ فَتَمُوتُ وَالنَّطِيحَةُ الَّتِي تَنْطَحُهَا بَهِيمَةٌ أُخْرَى فَتَمُوتُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ مِنْهُ فَمَاتَ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ عَلَى حَجَرٍ أَوْ صَنْمٍ إِلَّا مَا أُدْرِكَ ذَكَاتُهُ فَيَذَكَى وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ يَعْنِي حَرَامًا.^۸

عبدالعظیم حسنی گوید: «به امام جواد (ع) عرض کردم: گفتار خداوند که فرموده: (وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ) معنایش چیست؟» فرمودند: «منخنقه حیوانی است که گلو و راه تنفسش را بفشارند تا خفه شود و بمیرد، موقوذه حیوانی است که بیماری پیدا کند که نتواند از جای برخیزد یا بجنبد و هم‌چنین بماند تا بمیرد؛ و متردیه آن است که از سطح بلندی چون کوه یا در چاهی افتد و بمیرد، و نطیحه آن است که حیوان شاخ‌داری او را با شاخش زخم زند و از جراحت آن بمیرد، و آنچه درنده‌ای آن را پاره کند و از آن بخورد؛ «وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ» یعنی آنچه که ذبح شده برای مجسم‌های یا بتی مگر این‌که حیوان را زنده یابد و خود ذبح شرعی کند

^۷ .سوره مائده، آیه ۳.

^۸ . من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۳؛ نورالتقلين، ج ۱، ص ۵۸۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۱۹؛ مواهب الرهمان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص

امام در صدر این روایت، معنای لغوی چهار واژه را بیان فرموده و در پایان روایت نیز فسق را به معنای حرام دانسته‌اند.

ص: ۲۲۰

۲. شرح

شرح، بیان مطالب مرتبط با آیه است به این شکل که گاهی روایت، به توضیحی فراتر از مدالیل منطوقی یا مفهوم آیه می‌پردازد و به فهم بهتر آیه کمک می‌کند. اقسام متعددی در روایات برای شرح می‌توان یافت که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- ۲- بیان علت

گاهی حکمی در آیه بیان شده و روایتی که ذیل آن از معصوم آمده، علت آن موضوع یا حکم را بیان می‌دارد؛ مثلاً روایت زیر، علت چهار بار سوگند خوردن مردی که زنش را متهم به زنا می‌کند ذیل آیه ۶ سوره نور بیان کرده است:

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ)؛ و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند، و جز خودشان گواهیانی [دیگر] ندارند، هر یک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راست‌گویان است.

- «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ صَارَ الزَّوْجُ إِذَا قَذَفَ امْرَأَتَهُ كَانَتْ شَهَادَتُهُ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ وَكَيْفَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِغَيْرِهِ وَصَارَ إِذَا قَذَفَهَا غَيْرُ الزَّوْجِ جُلِدَ الْحَدَّ وَ لَوْ كَانَ وَكَلًا أَوْ أَخًا فَقَالَ قَدْ سُئِلَ [أَبُو] جَعْفَرِ (ع) عَنْ هَذَا فَقَالَ أَلَا تَرَى أَنَّهُ إِذَا قَذَفَ الزَّوْجُ امْرَأَتَهُ قِيلَ لَهُ وَكَيْفَ عَلِمْتَ أَنَّهَا فَاعِلَةٌ فَإِنْ قَالَ رَأَيْتُ ذَلِكَ مِنْهَا بَعِينِي كَانَتْ شَهَادَتُهُ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قَدْ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ الْمَدْخَلَ فِي الْخَلْوَةِ الَّتِي لَا تَصْلُحُ لِغَيْرِهِ أَنْ يَدْخُلَهَا وَ لَا يَشْهَدُهَا وَكَلًا وَ لَا وَالِدًا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَلِذَلِكَ صَارَتْ شَهَادَتُهُ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِذَا قَالَ رَأَيْتُ ذَلِكَ بَعِينِي وَ إِذَا قَالَ إِنِّي لَمْ أَعْلَمْ صَارَ قَازِفًا فِي حَدِّ غَيْرِهِ وَ ضُرِبَ الْحَدَّ إِلَّا أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهَا الْبَيِّنَةَ وَ إِنْ زَعَمَ غَيْرُ الزَّوْجِ إِذَا قَذَفَ وَ ادَّعَى أَنَّهُ رَأَاهُ بِعَيْنِهِ قِيلَ لَهُ وَ كَيْفَ رَأَيْتَ ذَلِكَ وَ مَا أَدْخَلَكَ ذَلِكَ الْمَدْخَلَ الَّذِي رَأَيْتَ فِيهِ هَذَا وَ حَذَّكَ أَنْتَ مُتَّهَمٌ فِي دَعْوَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فَانْتَفِي فِي حَدِّ التَّهْمَةِ فَلَا بُدَّ مِنْ أَدْبِكَ بِالْحَدِّ

ص: ۲۲۱

الَّذِي أُوجِبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ قَالٍ وَإِنَّمَا صَارَتْ شَهَادَةُ الزَّوْجِ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ لِمَكَانٍ الْأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ مَكَانٍ كُلِّ شَاهِدٍ يَمِينٌ»؛^۹

محمد بن سلیمان از امام جواد (ع) سؤال کرد «چرا مرد وقتی همسرش را قذف کند، چهار بار باید شهادت دهد و این کار برای غیر از شوهر جایز نیست و اگر غیر شوهر این نسبت را بدهد، او را حد می‌زنند اگرچه پدر یا برادر آن زن باشد؟» حضرت فرمودند: «از حضرت جعفر بن محمد (ع) همین موضوع را سؤال کردند، آن جناب در جواب فرمودند: علتش آن است که شوهر وقتی همسرش را قذف کند و نسبت ناروا دهد، به او می‌گویند: چگونه دانستی که همسرت مرتکب فحشا شده؟ اگر بگوید آن را با چشم خود دیدم، پس موظف است چهار بار خدا را شاهد بگیرد و این معنا را شهادت دهد و این‌که چطور می‌تواند بگوید این فعل را با چشم خود دیدم، جهتش آن است که برای شوهر جایز است در مواضع پنهانی که دیگران حق ورود به آن‌جا را ندارند داخل شود و همسرش را زیر نظر بگیرد در حالی که این معنا بر کس دیگری حتی فرزند و پدر زن جایز نیست نه در شب و نه در روز، از این رو وقتی ادعای رؤیت با چشم نمود، می‌باید چهار مرتبه خدا را بر آن گواه گیرد و به ذات او قسم بخورد؛ اما اگر گفت: با چشم خود این را ندیده‌ام، در این فرض قاذف محسوب شده، بدین ترتیب به او حد می‌زنند مگر آن‌که دلیل روشنی اقامه کند. اما اگر غیر شوهر این نسبت را دهد و ادعا کند که فعل مزبور را از زن دیده، به او می‌گویند: چگونه دیدی و چطور در پنهانی او را زیر نظر گرفتی در حالی که در دیدنت متهم هستی؟ پس اگر صادقی، در مرتبه تهمت بوده، به ناچار باید تو را تأدیب نمود اما این‌که شوهر باید چهار مرتبه قسم بخورد، جهتش آن است که هر یک‌بار به جای یک شاهد عادل محسوب می‌شود.»

ص: ۲۲۲

۲-۲- بیان حکم فقهی

قوانین عملی، بخش عمده‌ای از معارف دینی است که احکام یا فقه نامیده می‌شود. هر روایتی که به حکمی از قبیل واجب، حرام، مستحب و مکروه بپردازد، دارای گونه بیان حکم شرعی است.

هر حکمی در اسلام، دارای فلسفه‌ای است و هر امر یا نهی در ورای خود، از مصلحت یا مفسده‌ای حکایت دارد که موجب تکلیف می‌گردد. آیات قرآن نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ به این صورت که گاهی روایاتی که در تفسیر آیات آمده است، به بیان حکم آیه می‌پردازند و احکام تکلیفی را بیان می‌کنند. در واقع آیه، حکم را به صورت مجمل و کلی بیان کرده، روایت آن را به صورت مفصل‌تر مطرح می‌سازد. برای نمونه، در آیه ۸ سوره انفال (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ

^۹. کافی، ج ۷، ص ۴۰۳ ح ۶؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۲۵۴؛ نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۷۷؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۱، ص ۵۳.

شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَى، به صورت اجمال، دستور به پرداخت خمس داده شده است که روایت زیر نحوه پرداخت آن را تبیین می‌کند:

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (ع) أَخْبَرَنِي عَنِ الْخُمْسِ أَعْلَى جَمِيعِ مَا يَسْتَفِيدُ الرَّجُلُ مِنْ قَلِيلٍ وَكَثِيرٍ مِنْ جَمِيعِ الضُّرُوبِ وَ عَلَى الصَّنَاعِ وَ كَيْفَ ذَلِكَ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ الْخُمْسُ بَعْدَ الْمُنُونَةِ. ١٠

محمد بن حسن اشعری می‌گوید: «یکی از دوستان ما در نامه‌ای به امام جواد (ع) نوشت: آیا بر هر مبلغ کم‌وزیادی که هر کس به دست می‌آورد، از همه گونه معاملات، و بر همه مشاغل خمس واجب است، و چگونه باید داده شود؟ امام به خط خود نوشتند: «خمس پس از اخراج هزینه سال است».

۳-۲- بیان فضیلت

گاهی امامان، به بیان فضیلت و پاداش‌های معنوی قرائت سوره و یا آیه‌ای و یا اثرهایی که از تلاوت آیه در امور دنیوی حاصل می‌شود، از قبیل رفع حوائج، شفای بیماری، ادای دین و ... اشاره می‌کنند؛ از جمله روایت ذیل که امام

ص: ۲۲۳

دستوری به ابوعمرو دادند تا اوضاع نابه‌سامان زندگی‌اش به حالت عادی برگردد و او با عمل به آن، به نتیجه مطلوب رسید:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ [عَنْ] أَبِي عَمْرٍو الْحَدَّاءِ قَالَ سَاءَتْ حَالِي فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فَكَتَبَ إِلَيَّ أَدِمِ قِرَاءَةَ

(إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ)

قَالَ فَقَرَأْتُهَا حَوْلًا فَلَمْ أَرِ شَيْئًا فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ أَخْبِرُهُ بِسُوءِ حَالِي وَ أَنِّي قَدْ قَرَأْتُ

(إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ)

حَوْلًا كَمَا أَمَرْتَنِي وَ لَمْ أَرِ شَيْئًا قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ وَفَى لَكَ الْحَوْلُ فَانْتَقِلْ مِنْهَا إِلَى قِرَاءَةِ

۱۰. تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۲۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۹۴.

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ)

قَالَ فَفَعَلْتُ فَمَا كَانَ إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى بَعَثَ إِلَيَّ ابْنُ أَبِي دَاوُدَ فَقَضَى عَنِّي دَيْنِي وَاجْرَى عَلَيَّ وَ عَلَيَّ عِيَالِي وَ وَجَّهَنِي إِلَى
الْبَصْرَةَ فِي وَكَالَتِهِ بَبَابِ كَلَاءٍ وَ اجْرَى عَلَيَّ خَمْسَمِائَةَ دِرْهَمٍ وَ كَتَبْتُ مِنَ الْبَصْرَةَ عَلَيَّ يَدِي عَلَيَّ بِنِ مَهْزِيَارٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ
(ع) إِنِّي كُنْتُ سَأَلْتُ أَبَاكَ عَنْ كَذَا وَ كَذَا وَ شَكَوْتُ إِلَيْهِ كَذَا وَ كَذَا وَ إِنِّي قَدْ نَلْتُ الَّذِي أَحْبَبْتُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ تُخْبِرَنِي يَا مَوْلَايَ
كَيْفَ أَصْنَعُ فِي قِرَاءَةٍ

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ)

أَقْتَصِرُ عَلَيْهَا وَحَدَّهَا فِي فَرَائِضِي وَ غَيْرِهَا أَمْ أَقْرَأُ مَعَهَا غَيْرَهَا أَمْ لَهَا حَدٌّ أَعْمَلُ بِهِ فَوْقَ وَ قَرَأْتُ التَّوْفِيعَ لَا تَدْعُ مِنَ الْقُرْآنِ
قَصِيرَهُ وَ طَوِيلَهُ وَ يَجْزِيكَ مِنْ قِرَاءَةٍ

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ)

يَوْمَكَ وَ لَيْلَتِكَ مِائَةً مَرَّةً. ١١

ابوعمر و گفت: اوضاعم نا به سامان شد. پس نامه‌ای به امام جواد (ع) نوشتم. ایشان برای من نوشتند: «بر خواندن سوره نوح مداومت کن!» یک‌سال بر خواندن آن مداومت کردم ولی تغییری در زندگی‌ام حاصل نشد. بار دیگر به امام نامه نوشتم و از اوضاع نابه‌سامانم به ایشان خبر دادم و عرض کردم که بر اساس دستور ایشان یک‌سال بر خواندن سوره نوح مداومت کردم ولی تغییری در زندگی‌ام حاصل نشد. ایشان در پاسخ نوشتند: «مدت یک‌سال تو کامل گردید، بعد از آن به سراغ تلاوت سوره قدر برو!» به این دستور عمل کردم، زمانی نگذشت که ابن ابی داوود به سراغ من فرستاد و قرضم را ادا کرد و به امور من و خانواده‌ام رسیدگی نمود و مرا به نمایندگی خود به منطقه کلاء از بصره فرستاد و پانصد درهم به من عطا کرد و

ص: ۲۲۴

۴-۲- بیان مثال (تمثیل)

شماری از روایات تفسیری، مفاهیم قرآن را با بهره‌گیری از شواهد حسی تفسیر کرده‌اند. ۱۲ معصومان (علیهم السلام) در مواردی به منظور آسان‌سازی و انتقال سریع مفاهیم به مخاطب، از عنصر تمثیل و همانندسازی استفاده کرده‌اند. این

^{۱۱} کافی، ج ۵، ص ۳۱۶؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۱۷؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۳۵۷.

روش، در شرایطی متناسب با سطح آگاهی و فهم مخاطبان به کار گرفته شده است. ۱۳ برای مثال، در روایت زیر، مرگ به خواب تشبیه شده تا مخاطب مفهوم نزدیکی از مرگ در ذهنش تداعی شود. ذیل سوره‌های مبارکه ملک و ق آمده است: (وَ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ) (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ ...)

قِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) مَا الْمَوْتُ؟ قَالَ هُوَ النَّوْمُ الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُدَّتُهُ لَا يَنْتَبَهُ مِنْهُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رَأَى فِي نَوْمِهِ مِنْ أَصْنَافِ الْفَرَحِ مَا لَا يَقَادِرُ قَدْرَهُ وَمِنْ أَصْنَافِ الْأَهْوَالِ مَا لَا يَقَادِرُ قَدْرَهُ فَكَيْفَ حَالَ فَرَحٍ فِي النَّوْمِ وَوَجَلٍ فِيهِ هَذَا هُوَ الْمَوْتُ فَاسْتَعِدُّوا لَهُ. ۱۴

از محمد بن علی (ع) پرسیدند که مرگ چیست؟ فرمود: «همان خوابی است که هر شب شما را فرا می‌گیرد، با این تفاوت که مرگ مدتش طولانی‌تر است و شخص از آن بیدار نگردد، مگر در روز قیامت؛ پس وقتی انسان در خواب انواع شادمانی را ببیند که نتواند آن را وصف کند، و هم‌چنین از اقسام ترس چیزهایی ببیند که قادر به توصیف حد آن نباشد، پس آن حال شادی یا ترس در خواب چگونه است؟ این است مرگ؛ پس خود را برای آن مهیا سازید.»

۵-۲- تحذیر

تحذیر یعنی آگاه کردن مخاطب بر امری نامطلوب تا از آن دوری کند؛ همان‌گونه

ص: ۲۲۵

که در روایت زیر، امام توصیه می‌کنند که از هم‌نشینی با بدان پرهیز شود: ۱۵

(يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا) ۱۶ قَالَ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ التَّقِيُّ الْجَوَادُ (ع):

إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ، يَحْسُنُ مَنظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ. ۱۷

۱۲. درآمدی بر تفسیر جامع روایی، ص ۱۲۳.

۱۳. مقاله گونه شناسی روایات تفسیری، ص ۳.

۱۴. معانی الاخبار، ص ۲۸۹؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۳۸۰؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۳، ص ۳۵۰؛ تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۶۳، الأمتل فی کتاب الله المنزل ج ۱۷، ص ۳۶.

۱۵. جمع‌آوری، گزینش، گونه‌شناسی و تحلیل روایات آیات ۲۰۴ تا ۲۱۸ بقره، ص ۲۴.

۱۶. سوره فرقان، آیه ۲۷.

۱۷. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۳۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۴؛ الأمتل فی کتاب الله المنزل، ج ۱۱، ص ۲۴۱.

امام جواد (ع) فرمودند: «از هم نشینی با بدکار بپرهیز که مانند شمشیر از غلاف کشیده شده است؛ ظاهرش زیبا و اثرش زشت است».

۶-۲- اغراء

اغراء از ریشه «غَرَوَ» به معنای برانگیختن است و در این جا منظور، برانگیختن مخاطب بر امری مطلوب است تا آن را انجام دهد. ۱۸ در مثال ذیل، امام در نامه‌ای علی بن مهزیار را به مشورت کردن تشویق فرمودند و اثر مطلوب آن را برای او ذکر کردند:

(وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) ۱۹ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) أَنْ سَلَّ فَلَانًا أَنْ يَشِيرَ عَلَيَّ وَ يَتَخَيَّرَ لِنَفْسِهِ فَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَجُوزُ فِي بَلَدِهِ وَ كَيْفَ يَعَامِلُ السَّلَاطِينَ فَإِنَّ الْمَشُورَةَ مُبَارَكَةٌ قَالَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) ۲۰

علی بن مهزیار می‌گوید: امام جواد (ع) به من نامه نوشتند: از فلانی بخواه که نظری به من بدهد و نزد خود خیرخواهی کند چون می‌داند در شهر او چه

ص: ۲۲۶

می‌توان کرد و چگونه می‌توان با پادشاهان رفتار نمود؛ زیرا مشورت مبارک و پربرکت است. خداوند در کتاب حکیم خود می‌فرماید: «از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

ذکر این نکته لازم است که عده‌ای این مثال را استناد به آیه قرآن می‌دانند ولی مبنای این مقاله تشخیص نوع معرفت روایت نسبت به آیه است در اینجا هم آیه انجام مشورت را بیان می‌کند و روایت به گونه‌ای با ذکر اثر مطلوب مشورت مخاطب را به انجامان تشویق می‌کند.

^{۱۸} . جمع‌آوری، گزینش، گونه شناسی و تحلیل روایات آیات ۲۰۴ تا ۲۱۸ بقره، ص ۲۴.

^{۱۹} . سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

^{۲۰} . تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۲، ص ۴۵؛ نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۰۵، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۰۹؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۲۵۲؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۶، ص ۶۳؛ تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، ص ۳۴۵؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱؛ من هدی القرآن، ج ۱۲، ص ۳۷۳.

این‌گونه، در بردارنده روایاتی است که در آن امام به بیان اسماء الهی از قبیل سمیع، قوی، بصیر، لطیف و ... می‌پردازند. در میان روایات امام جواد (ع)، به روایات زیبایی در شرح اسماء الهی برخوردیم از جمله:

۱-۲-۷- (... إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ). ۲۱

فی أصول الکافی محمد بن ابی عبدالله رفعه الی ابی هاشم الجعفری قال: کُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (ع) فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ أَسْمَاءٌ وَصِفَاتٌ فِي كِتَابِهِ وَ أَسْمَاؤُهُ وَ صِفَاتُهُ هِيَ هُوَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ لِهَذَا الْكَلَامِ وَجْهَيْنِ الِى قَوْلِهِ كَذَلِكَ سَمَّيْنَا رَبَّنَا قَوِيًّا لَا بِقُوَّةِ الْبَطْشِ الْمَعْرُوفِ مِنَ الْمَخْلُوقِ لَوْ كَانَتْ قُوَّتُهُ قُوَّةَ الْبَطْشِ الْمَعْرُوفِ مِنَ الْمَخْلُوقِ لَوْ قَعَّ التَّشْبِيهُ وَ لَاحْتِمَالُ الزِّيَادَةِ وَ مَا احْتِمَلُ الزِّيَادَةَ احْتِمَالُ النُّقْصَانِ وَ مَا كَانَ نَاقِصًا كَانَ غَيْرَ قَدِيمٍ وَ مَا كَانَ غَيْرَ قَدِيمٍ كَانَ عَاجِزًا؛ ۲۲

ابوهاشم گوید: «خدمت حضرت جواد (ع) بودم که مردی از آن حضرت پرسید: آیا اسماء و صفاتی که در قرآن برای پروردگار هست، آن اسماء و صفات، خود پروردگار است؟» حضرت فرمودند: «سخن تو دو معنا دارد» (و برای او توضیح اسماء الهی را دادند تا رسیدند به صفت قوی) پس فرمودند:

ص: ۲۲۷

«هم‌چنین پروردگار خود را توانا نامیم، نه از جهت توانایی مشت‌کوبی که میان مخلوق معروف است. اگر توانائی او توانایی مشت‌کوبی معمول میان مخلوق باشد، تشبیه به مخلوق می‌شود و احتمال زیادت برد و آنچه احتمال زیادت برد، احتمال کاهش برد و هر چیز که ناقص و کاست باشد، قدیم نباشد و چیزی که قدیم نیست، عاجز است.»

۲-۲-۷- (... إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ) ۲۳

وباسناده الی ابی هاشم الجعفری عن ابی جعفر الثانی (ع)، انه قال له رجل و کیف سمی ربَّنَا سَمِيعًا فَقَالَ لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا يَدْرِكُ بِالْأَسْمَاعِ وَ لَمْ نَصِفْهُ بِالسَّمْعِ الْمَعْقُولِ فِي الرَّأْسِ وَ كَذَلِكَ سَمَّيْنَاهُ بَصِيرًا لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا يَدْرِكُ بِالْأَبْصَارِ مِنْ لَوْثٍ أَوْ شَخْصٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ وَ لَمْ نَصِفْهُ بِبَصَرٍ لِحُظَّةِ الْعَيْنِ؛ ۲۴

۲۱. سوره هود، آیه ۶۶.

۲۲. نورالتقلین، ج ۲، ص ۳۵۷؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۶، ص ۱۹۳؛ کافی، ج ۱، ص ۱۱۷؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، ص ۴۶.

۲۳. سوره اسراء، آیه ۱.

آن مرد عرض کرد: «پس چگونه پروردگار خود را شنوا می‌نامیم؟» فرمود: «زیرا بر خداوند مخفی نیست آنچه با گوش درک می‌شود ولی او را به گوشه‌ای که در سر فهمیده می‌شود توصیف نمی‌کنیم، هم‌چنین او را بینا می‌نامیم؛ زیرا آنچه با چشم درک شود مانند رنگ یا شخص و یا غیر این‌ها، بر او مخفی نیست، ولی او را به بینایی نگاه چشم توصیف نکنیم.»

۸-۲- شرح بالمعنی الأخص

توضیحی مرتبط با آیه یا فراتر از آیه است که در هیچ‌یک از اقسام نامبرده شرح، جای نمی‌گیرد. امام در مثال ذیل، معنای آیه را با بیانی دیگر مطرح می‌کنند.

(... وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ... ۲۵) «... و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی بُرد»

قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ الرَّازِيُّ فِي مَنْزِلِهِ بِالرَّيِّ، عَنْ

ص: ۲۲۸

أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرُّضَا (ع)، عَنْ آبَائِهِ (ع)، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)، قَالَ: قُلْتُ أَرْبَعًا أَنْزَلَ اللَّهُ (تَعَالَى) تَصْدِيقِي بِهَا فِي كِتَابِهِ، قُلْتُ: الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ فَإِذَا تَكَلَّمَ ظَهَرَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ (تَعَالَى)

(وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ... ۲۶)

از حضرت علی (ع) رسیده که فرمودند: «چهار سخن گفتم خداوند راست‌گویی‌ام را با آن در کتاب خود (قرآن عظیم) فرو فرستاد: گفتم: مرد در زیر زبانش پنهان است، پس هرگاه سخن گوید آشکار گردد؛ خداوند فرو فرستاد: می‌توانی آن‌ها را از طرز سخنانشان بشناسی.»

۳. بیان مصداق یا جری

اصطلاح «جری» از حدیث شریف امام باقر (ع) گرفته شده که فرموده‌اند:

^{۲۴}. نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۳۴؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۳۵۲؛ کافی، ج ۱، ص ۱۱۷؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، ص ۴۵.

^{۲۵}. سوره محمد، آیه ۳۰.

^{۲۶}. امالی، ص ۴۹۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۱؛ کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۲۴۸؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۱۷۸؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۴۶.

«مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ وَ مَطْلَعٌ مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ قَالَ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ هُوَ تَأْوِيلُهَا مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ» ۲۷

قاعده جری و تطبیق از سوی دانشمندان دارای تعاریف تقریباً مشابهی است. علامه در تعریف این قاعده می‌نویسد:

این شیوه ائمه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است که آیه قرآن را بر مواردی که قابل انطباق با آن است، تطبیق می‌کنند، اگرچه خارج از مورد نزول آن باشد. روش ائمه این بوده است که آیاتی از قرآن را بر مواردی قابل انطباق منطبق می‌کردند؛ اگرچه از مورد نزول آیه خارج باشد. این کار موافق با اعتبار عقلاً نیز هست.

ایشان تطبیق آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) بر امام علی (ع) در احادیث را از موارد قاعده جری می‌داند. ۲۸ بعضی از نویسندگان معاصر، این قاعده را این چنین تعریف کرده‌اند:

ص: ۲۲۹

جری و تطبیق، عبارت است از: انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده است. ۲۹

بنابراین آیاتی که به لحاظ مفهوم عام‌اند و مصادیق متعدد دارند، گاهی به جای توضیح مفهوم آیه، به مصادیق یا اهم مصادیق اشاره می‌کنند. این شناخت را جری می‌گویند که نوعی تطبیق مصداق بر مفهوم است.

بیان مصداق به سه گونه است:

الف) بیان برخی از مصادیق

گاهی روایت، برخی از مصداق‌های آیه را بیان می‌کند ولی معنای آیه منحصر در آن مصداق نیست.

ب) بیان مصداق اتم

۲۷. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹۷.

۲۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۱-۴۲.

۲۹. روش‌های تأویل، ص ۱۴۷.

گاهی مصداق اتم و اکمل آیه را بیان می‌کند هر چند معنای آیه منحصر در آن مصداق نیست. در روایت ذیل شرک به خدا، مصداق اتم گناهان کبیره و در ادامه روایت، هیجده مصداق از مصادیق گناهان کبیره از جمله ناامیدی از رحمت خدا و ایمنی از مکر خدا و ... بیان شده است.

در تفاسیر ذیل این آیه (الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ) ۳۰ آمده است:

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ دَخَلَ عَمْرُو بْنُ عُبَيْدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَلَمَّا سَلَّمَ وَجَلَسَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا أَسْكَنَكَ قَالَ أَحِبُّ أَنْ أَعْرِفَ الْكَبَائِرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَبَعْدَهُ الْإِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - إِنَّهُ لَا يِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ثُمَّ

ص: ۲۳۰

الْأَمْنُ لِمَكْرِ اللَّهِ لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ وَمِنْهَا عُقُوقُ الْوَالِدِينَ لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الْعَاقَ جَبَّارًا شَقِيًّا وَقَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبَسَّ الْمَصِيرُ وَأَكْلُ الرِّبَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَالسَّحْرُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ الزَّانَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا وَ الْيَمِينُ الْعُمُوسُ الْفَاجِرَةُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَالْعُلُولُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْعُ الرِّكَاءِ الْمَفْرُوضَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - فَتَكُونُ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَهَى عَنْهَا كَمَا نَهَى عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَ تَرْكُ الصَّلَاةِ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ نَقْضُ

الْعَهْدِ وَقَطِيعَةُ الرَّحِمِ لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ - أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ قَالَ فَخَرَجَ عَمْرُو وَ لَهُ صُرَاخٌ مِنْ بُكَائِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَلْكَ مَنْ قَالَ بِرَأْيِهِ وَ نَازَعَكُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْعِلْمِ. ۳۱

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی گوید: امام جواد (ع) فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم می‌فرمود: «عمر و بن عبید نزد امام صادق (ع) آمد، چون سلام کرد و نشست، این آیه را خواند: «آنان که از گناهان بزرگ و زشت‌کاری‌ها - جز لغزش‌های کوچک - خودداری می‌ورزند» سپس از سخن باز ایستاد. امام صادق (ع) به او فرمود: «چرا»

ص: ۲۳۱

سکوت کردی؟» گفت: «دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدای عزوجل بدانم». فرمود: «آری، ای عمرو! بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک به خداست که خدا می‌فرماید: «هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته.» بعد از آن ناامیدی از رحمت خداست؛ زیرا خدا می‌فرماید: «از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.» پس از آن ایمنی از مکر خداست، زیرا خدا می‌فرماید: «جز مردم زیان‌کار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند.» سپس عاق والدین است، زیرا خداوند عاق را جبار و شقی مقرر ساخته است (اشاره به قول خدای تعالی در حکایت از حضرت عیسی (ع): «و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است» بعد قتل نفسی که خدا آن را محترم دانسته مگر به حق (در مورد قصاص)، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «... کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد...» سپس متهم ساختن زن پاک‌دامن به زنا، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «بی‌گمان کسانی که به زنان پاک‌دامن بی‌خبر [از همه‌جا] و باایمان، نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آن‌ها عذابی سخت خواهد بود!» هم‌چنین خوردن مال یتیم، زیرا خدا می‌فرماید: «در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتشی فروزان درآیند.» نیز فرار از جهاد، زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «و هر کس در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آن‌که [هدفش] کناره‌گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانش] باشد - قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است و چه بد سرانجامی است!» بعد خوردن ربا، زیرا خداوند می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند، [از گور] برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سَرش کرده است...» هم‌چنین سحر زیرا خدا می‌فرماید: «... و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار

۳۱. کافی، ج ۲، ص ۲۸۵؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۶۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۰۱.

این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد...» نیز زنا زیرا خدا می‌فرماید: «... و هر کس این‌ها را انجام دهد، سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دوچندان

ص: ۲۳۲

می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند.» نیز سوگند دورغ برای تبه‌کاری، زیرا خدا می‌فرماید: «... کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست...» نیز خیانت در غنیمت جنگی، زیرا خدا می‌فرماید: «و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید...» هم‌چنین بازداشتن زکات واجب؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «... و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آن‌ها داغ کنند.» نیز شهادت دروغ و نهان کردن شهادت؛ زیرا خدای عزوجل فرماید: «... هر که آن را کتمان کند، قلبش گناه‌کار است...» نیز شراب‌خواری، زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده، همان‌طور که از پرستش بت‌ها نهی فرموده است. هم‌چنین نماز یا واجب دیگر خدا را عمداً ترک کردن، زیرا رسول خدا (ص) فرمود: کسی که نماز را عمداً ترک کند. از پیمان و تعهد خدا و رسولش بیزاری جسته است.» هم‌چنین پیمان‌شکنی و قطع رحم؛ زیرا خدای عزوجل فرماید: «... بر ایشان لعنت است و بدفرجامی آن سرای ایشان راست!» راوی گوید: عمرو از خدمت امام بیرون رفت، در حالی که شیون گریه‌اش بلند بود و می‌گفت: «هلاک شد کسی که برای خود فتوا داد و در علم و فضل با شما مبارزه کرد!»

ج) بیان مصداق انحصاری

گاه تنها مصداق آیه بیان می‌شود که معنای آیه منحصر در آن مورد است و مصداق‌های دیگری ندارد. برای نمونه، روایت زیر از امام ذیل سوره قدر آمده که گویای این است که ملائکه در شب قدر تنها بر حجت آن زمان یعنی ائمه (علیهم السلام) نازل می‌شوند و امر سال را بر ایشان نازل می‌کنند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزَلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاءَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

ص: ۲۳۳

فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلَيْبِ أَيْمَّةٍ مُحَدِّثُونَ. ۳۲

امام جواد (ع) فرمودند: امیرمؤمنان (ع) به ابن عباس فرمودند: «همانا شب قدر در هر سالی هست و در آن شب امر آن سال فرود می آید و برای آن امر سرپرستانی است بعد از رسول خدا (ص). ابن عباس گفت: «آن‌ها کیانند؟» فرمود: «من هستم و یازده تن از فرزندان صلیبی من که امامان محدث باشند».

۴. علوم قرآنی

منظور از علوم قرآنی، مسائل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن است از قبیل مسأله قرائت، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و ... این مباحث، به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارند، بلکه مقدمه‌ای برای فهم معارف قرآنی و تفسیرند. ۳۳ در این زمینه، امام جواد (ع) در زمینه قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره در نماز سخنی فرموده‌اند که لزوم قرائت بسمله در آغاز هر سوره را نشان می‌دهد. روایت زیر ذیل سوره حمد آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِي قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي صَلَاتِهِ وَحَدُّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أُمَّ الْكِتَابِ مِنَ السُّورَةِ تَرَكَهَا فَقَالَ الْعَبَّاسِيُّ لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ يَعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ عَلَى رَغَمِ أَنَّهُ يَعْنِي الْعَبَّاسِيَّ. ۳۴

از یحیی بن ابی عمران همدانی نقل شده است که گفت: «در نامه‌ای به امام جواد (ع) عرضه داشتم: فدایت شوم! چه می‌فرمایید درباره کسی که در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» را فقط یک‌بار در آغاز سوره حمد بخواند و برای سوره (بعد از حمد) آن را نخواند؟ عباسی (از مخالفان امام جواد (ع)) می‌گوید:

ص: ۲۳۴

این کار جایز است؟» امام جواد (ع) در پاسخ وی با خط خود نوشتند: «برخلاف گفته او (عباسی) دوباره آن را بخواند» (نمازش را باید اعاده کند).

۵. بطن

۳۲. کافی، ج ۱، ص ۵۳۲؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۳۵۸.

۳۳. علوم قرآنی، ص ۹.

۳۴. کافی، ج ۳، ص ۳۱۳؛ نورالقلین، ج ۱، ص ۹؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ص ۱۳.

روایاتی ضمن قبول معنای ظاهری، به معنای غیرظاهری آیه می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، از معنای آیه عبور می‌کند و در حقیقت توسعه معنایی آیه است. این نوع شناخت را «بطنی» می‌نامیم تا متفاوت از فهم باطنی، باشد؛ زیرا برخی چون باطنیه ظاهر قرآن را رد و از آن عدول می‌کنند؛ اما شناخت بطنی به این معناست که ما ضمن قبول ظاهر، از آن عبور می‌کنیم. به عبارت دیگر، در شناخت بطنی از ظاهر عدول نمی‌شود بلکه به یک معنای دیگر راه می‌یابیم که معنایش نسبت به این معنای ظاهر گسترده‌تر است؛ برای مثال

(وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ) ۳۵

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا (ع) مَنْ اخْتَارَ قَرَابَاتِ أَبِي دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ (ع) عَلَى قَرَابَاتِ أَبِي نَسَبِهِ - اخْتَارَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ التَّنَادِ وَ شَهْرَهُ بَخْلَعِ كَرَامَاتِهِ، وَ شَرَّفَهُ بِهَا عَلَى الْعِبَادِ - إِلَّا مَنْ سَاوَاهُ فِي فَضَائِلِهِ أَوْ فَضْلِهِ. ۳۶

حضرت جواد (ع) فرمودند: «هر کس خویشاوندان دو پدر دینی خود محمد و علی را بر خویشاوندان پدر و مادر نسبی خود برگزیند، خداوند او را در روز قیامت در مقابل مردم برمی‌گزیند و به تحفه‌های کرامت خویش ممتاز می‌نماید و بر مردم شرافت می‌بخشد مگر در نیکی برابری روا دارد یا خویشاوندان نژادیش را مقدم بدارد».

ص: ۲۳۵

در این روایت، از معنای ظاهری والدین که پدر و مادر نسبی انسان هستند، عبور نموده و پدر دینی را حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) معرفی کرده است.

نتیجه

در این پژوهش، روایات تفسیری امام جواد (ع) در تفاسیر را بررسی کردیم تا بدانیم شناخت و معرفتی که امام (ع) از تفسیر آیات قرآنی ارائه می‌دهند، بیش‌تر در چه زمینه‌ها و گونه‌هایی است. گونه‌شناسی این روایات تفسیری، نشان داد که بیش‌تر روایات منقول از امام جواد (ع) در این پنج‌گونه قابل تقسیم و تحلیل است: ۱. بیان معنای واژگانی؛ ۲. شرح؛

۳۵. سوره بقره، آیه ۸۳.

۳۶. التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن العسکری (ع)، ص ۳۳۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۶۳؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص

۳. مصداق؛ ۴. علوم قرآنی و ۵. بطن. آمارها نشان می‌دهد که از میان گونه‌های مذکور در ۵۲ روایت تفسیری مورد مطالعه، دو گونه شرح و مصداق به ترتیب دارای بیش‌ترین فراوانی هستند:

بیان معنای واژگانی: ۱۸ / ۰۷ درصد

شرح: ۴۶ / ۹۸ درصد

مصداق: ۲۸ / ۹۱ درصد

علوم قرآنی: ۱ / ۲۰ درصد

بطن: ۴ / ۸۱ درصد

ص: ۲۳۶

نمودارهای گونه‌های روایات امام جواد (ع) در تفاسیر:

...

گونه‌های اصلی

...

زیرشاخه‌های گونه شرح

...

زیرشاخه‌های گونه مصداق

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

حسن بن علی (ع)، التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن العسکری (ع)، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.

حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۰۸ ق.

ذهنی تهرانی، علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰ ش.

رستم نژاد، مهدی، مقاله «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، فصلنامه حسنا، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱.

سیدمحمد حسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.

سیدناری، جمع‌آوری، طاهره‌سادات، گزینش، گونه‌شناسی و تحلیل روایات آیات ۲۰۴ تا ۲۱۸ بقره، دانشکده اهل بیت

(علیهم السلام)، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۳ ش.

شاکر، محمدکاظم، روش‌های تأویل، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر راد، ۱۳۷۳ ش.

صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

ص: ۲۳۹

طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.

طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

محمد بن مسعود، عیاشی، تفسیر عیاشی، چاپ اول، تهران، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ ق.

محمدی ری‌شهری، محمد، درآمدی بر تفسیر جامع روایی، قم، دارالحديث، ۱۳۹۰ ش.

مدرسی، سیدمحمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.

معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵ ش.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامی، ۱۳۷۴ ش.

موسوی سبزواری، سیدعبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیرالقرآن، چاپ دوم،

ص: ۲۴۰

بیروت، موسسه اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ق.

مهریزی، مهدی، مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، فصلنامه علوم حدیث، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵۵.

نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق. ۳۷.

ص: ۲۴۱

^{۳۷} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳ جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های

علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.